

سخنرانی فایض چودری

مدیر ارشد اجرایی فدراسیون بین‌المللی حسابداران



جهانی شدن و نارضایتی‌های پیرامونش - با قدردانی از جی استیگلitz

ترجمه: معصومه امیری

تصمیم گرفته‌ام درباره موضوعی صحبت کنم که بسیار به قلبم نزدیک است: جهانی شدن - و اشتغال عمیق حرفه ما در اقتصاد جهانی. همانطور که شاید بدانید، خانواده من از سرزمین بریتانیای کبیر نیستند. دوست دارم ببندیشم که من محصول دوران آغازین جهانی شدن هستم... در بنگلادش متولد شدم؛ در استرالیا، سنگاپور و بریتانیا به مدرسه رفتم؛ در بریتانیا تحصیلات دانشگاهی خود را گذراندم و سپس دوره کاری خود را در بریتانیا، آفریقا و ایالات متحده گذراندم. همسر من حتی پیشینه‌ای بین‌المللی تر دارد. اما فرزندانمان که در ایالات متحده متولد و بزرگ شده‌اند، باهوش‌تر و جهانی‌تر از آنچه ما در این سنین بودیم، هستند.

بنابراین ما از هر کجا که آمده‌ایم، حقیقت این است که بیشتر، ذینفعان این شگفتی بزرگ یعنی جهانی شدن هستیم، که بزرگترین منبع خلق ثروتی است که بشر تاکنون دیده است؛ اگرچه، خلق ثروت سریع باعث ایجاد پرسشهای مهمی درباره انصاف و نابرابری در جامعه نیز شده است.

از میان شما، کسانی که هوشیار هستند، متوجه اشاره من به جوزف استیگلitz (Joseph Stiglitz) اقتصاددان برنده جایزه نوبل و اقتصاددان ارشد پیشین در دفتر کار سابق من، بانک جهانی (WB) شدند.

کتاب وی با عنوان «جهانی شدن و نارضایتیهای پیرامونش» که در سال ۲۰۰۲ منتشر شد، یکی از پرفروش‌ترینها در ایالات متحده شد. چهارده سال بعد، بعضی از هشدارهای او از هر زمانی معتبرتر هستند.

در این بعدازظهر، من قصد دارم سخنرانی خود را در سه قسمت ارائه کنم.

- صحبت‌ها را با اشاره به تغییر جهت جدی تجارت و بازرگانی جهانی به سمت شرق آغاز می‌کنم؛
- سپس به برخی از خطرهای عمیق اجتماعی که ما به‌عنوان پیامد این تغییر شگفت‌آور و سریع با آن روبه‌رو می‌شویم، می‌پردازم؛ و
- با قرار دادن حرفه حسابداری در قلب اقتصاد جهانی و صحبت بیشتر درباره اهمیت حیاتی نقشی که می‌توانیم و باید ایفا کنیم، از صحبت‌هایم نتیجه‌گیری خواهم کرد.

ابتدا، حرکت کسب‌وکار از شرق به غرب

بی‌تردید آرزوی تجارت و خلق ثروت، بخشی از ماهیت بشر است؛ بنابراین میل نگاه به شرق برای جستجوی فرصت‌های جدید تجارت و بازرگانی نیز وجود دارد.

اروپای کهن از طریق جاده ابریشم به شرق دور سفر کرد؛ سپس کشتی‌های تندرو راه‌های دریایی را هرچه بیشتر به‌صرفه‌تر ساختند که منجر به پیدایش بنگاه‌هایی همچون **شرکت هند شرقی** (East India Company) شد. **کریستف کلمب** (Christopher Columbus) غرب را برای یافتن دنیای جدید جستجو کرد؛ اما نکته اینجاست که وقتی موفقیت حاصل شد، نوآوری نیز به‌وجود آمد.

بخار، موتورهای با احتراق داخلی و سپس موتورهای جت، نیروی تازه‌ای فراهم کردند که حرکت اشیاء به دور کره زمین را آسان‌تر، سریع‌تر و به‌صرفه‌تر کرد و در پایان، اینترنت و گوشی‌های هوشمند، مشتریان و کسب‌وکارها را با روش‌هایی به هم متصل کردند که حتی روزانه نیز در حال تغییرند. شاید آنچه از همه شگفت‌انگیزتر است، سرعت وقوع تغییرها باشد. وقتی غنا در سال ۱۹۶۰ استقلال یافت، تولید ناخالص داخلی‌اش بیش از کره جنوبی بود و همه ما می‌دانیم اکنون این نسبت چگونه است.

اما طی ۲۰ سال گذشته، برخاستن چین و در واقع همه کشورهای **بریکس** (BRICS)، یعنی برزیل، روسیه، هندوستان، چین و آفریقای جنوبی بود که اقتصاد جهانی را برای همیشه تغییر داد.

چین در اواخر دهه ۱۹۷۰، درهای اقتصاد خود را به‌سوی تجارت بین‌المللی گشود. در سال ۱۹۷۲، تجارت سالانه دوطرفه بین ایالات متحده و چین کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار بود. سرمایه‌گذاری دوسویه در بازار کشور مقابل تقریباً صفر بود و فقط تعداد انگشت‌شماری از مشاغل در آمریکا وابسته به تجارت با چین بودند.

امروزه، بیش از ۶۵۰ میلیارد دلار کالا و خدمات بین دو کشور مبادله می‌شود و تقریباً یک میلیون از مشاغل در آمریکا به تولید کالاها و خدمات برای فروش به چین وابسته هستند. باید بگویم که از این ۶۵۰ میلیارد دلار، ۵۰۰ میلیارد دلار مربوط به واردات آمریکا از چین و ۱۵۰ میلیارد دلار مختص صادرات آمریکا به چین است.

دلیلی وجود دارد که **فدکس** (FedEx)، شرکتی که حمل‌ونقل هوایی را ابداع کرد و بزرگترین ترابری سریع جهان به شمار می‌رود را به‌عنوان سهام شاخص اقتصاد ایالات متحده آمریکا در نظر می‌گیرند.

به‌طور ساده، وقتی شرایط اقتصادی مناسب است، افراد بیشتری به خرید و فروش کالا می‌پردازند و بنابراین بسته‌های بیشتری جابه‌جا می‌شوند. جدول قیمت سهام این شرکت، آینه جدول تولید ناخالص داخلی ایالات متحده است.

سه سال پس از این که استیگلیتز کتابش را در سال ۲۰۰۲ منتشر کرد، فدکس اعلام کرد که از طریق تغییر مرکز فعالیت خود در آسیا و اقیانوسیه از **خلیج سایبک** (Subic Bay) در فیلیپین به گوانگجو در چین، نقشه حمل‌ونقل هوایی جهانی را دوباره طراحی خواهد کرد.

در آن زمان، **فرد اسمیت** (Fred Smith) مدیر عامل و رئیس شرکت گفت: «ما باید جایی برویم که مشتریانمان می‌پسندند.» گوانگجو در **پرل ریور دلتا** (Pearl River Delta) قرار دارد؛ یعنی منطقه‌ای که بیش از یک‌سوم از صادرات چین را تولید می‌کند.

این منطقه به‌عنوان مهد کارخانه‌های جهان شناخته می‌شود. بانک جهانی می‌گوید که این دلتا لقب بزرگترین منطقه شهری را نیز به دوش می‌کشد. در پایان سال ۲۰۱۳، ۹ شهر از بزرگترین شهرهای گوانگجو، بیش از ۵۷ میلیون نفر را در خود جا داده بود. اما داستان این منطقه، فراتر از نمونه کوچکی از رشد شگفت‌انگیز چین است. این نمونه‌ای گویا از وسعت و سرعتی می‌باشد که جهانی‌شدن بدان دست یافته است.

از چین گرفته تا بنگلادش، تا هند و ویتنام، تا اندونزی و مالزی و مناطق میان اینها، کارخانه‌ها مشغول سرهم‌کردن محصولات می‌شوند. هستند که از سوی مصرف‌کنندگان غربی در فروشگاه‌ها یا به‌صورت **برخط** خرید و فروش می‌شوند. فدراسیون مرکز فعالیت خود در آسیا را تنها به دلیل رشد اقتصادی چین، به پرل ریور دلتا منتقل نکرد؛ بلکه تشخیص داد که بازار درون آسیا همزمان با رشد طبقه متوسط و افزایش مصرف آنها، فرصتی بالقوه و عالی برای ارایه خواهد کرد. «بیداری تجاری» چین در حدود ۳۵ سال پیش رخ داد. در آن زمان، شهرهای پرل ریور دلتا به موتورخانه‌های صنعتی تولیدکننده پوشاک، اسباب‌بازی، لوازم الکترونیکی و پارچه برای جهان تبدیل شده بودند. در دهه گذشته، این منطقه شاهد پیدایش تولید پیشرفته، فناوریهای جدید و صنایع بخش خدمات بوده است.

و من در عجبم که **مائو** (Mao) رهبر و بنیانگذار چین کمونیست اگر زنده بود، از این واقعیت چه برداشتی می‌کرد که در سال ۲۰۱۳، چین عنوان بزرگترین بازار فروش خودروهای **رولز رویس** (Rolls Royce) را از ایالات متحد ربود. در آن سال، بیش از ۱۰۰۰ **فانتوم** (Phantom)، **گوست** (Ghost) و **ریت** (Wraith) به چین فرستاده شدند.

سال گذشته، فروش این محصول تا ۵۴ درصد کاهش یافت و چین را پس از ایالات متحد و خاورمیانه، به رده سوم تنزل داد. این که «چرا» فروش محصولات رولز رویس کاهش یافت نیز داستان جالبی دارد و **مرا به بخش دوم از صحبت‌های امشب وارد می‌کند؛ یعنی: خطر صدای مردم** (Vox Populi) و **نارضایتیهای پیرامون جهانی‌شدن**.

در ابتدای سال جاری، تحلیلگر جهانی ارشد سیاسی **سیتی‌گروپ** (Citigroup) به همراه مدیر سابق **کارنگی یورپ** (Carnegie Europe) در یک گزارش مشترک، عبارت «خطر Vox Populi» را که از عبارت لاتین **صدای مردم** (Voice of the People) گرفته شده، ابداع کرد.

علت‌های نگارش گزارش مؤسسه سیتی ساده بودند. قیمت‌گذاری خطر وابسته به جغرافیای سیاسی برای سرمایه‌گذاران بسیار مهم می‌باشد و همیشه مهم بوده است. **شرکت هلندی هند شرقی** (Dutch East India Company) اولین شرکت پذیرفته‌شده در بورس بود؛ زیرا قصد داشت تا خطر از دست دادن کشتیه‌هایش به علت وجود دزدان دریایی را تقسیم کند.

اما گزارش سیتی توجه بسیاری از جانب رسانه‌ها دریافت کرد؛ زیرا زوال فرضیه‌های دوره پس از جنگ سرد را اعلام کرد که در آن بیشتر مدیران سرمایه و سرمایه‌گذاران رشد کردند.

سیتی چهار دسته اصلی برای خطر صدای مردم تعریف می‌کند:

• خطر انتخابات؛

• «خطر اعتراض جمعی ناگهانی مردم در دموکراسی»؛

• خطر همه‌پرسی؛ و

• خطر وابسته به جغرافیای سیاسی.

پس از انقلاب‌های رنگی و بهار عربی که از اواسط سال ۲۰۰۹ شروع شد، جنبش اشغال وال استریت (و در واقع حیات کلیسای سنت پل) توجه جهانی را به خود جلب کرد. این حرکت با سرزنش گسترده وسیعی از نگرانیهای اقتصادی، در بطن خود یک اعتراض نیمه‌تمام و سازماندهی نشده بر علیه جهانی‌شدن، «طمع بانکدار»، و نابرابری عمومی اجتماعی و اقتصادی بود.

در همان حال در اروپا، امر غیرقابل تصور، تبدیل به محتمل و سپس محتمل، تبدیل به واقعیت هولناک شد؛ از کریمه که مستعمره روسیه است و جنگ وکالتی‌اش در اوکراین، تا همه‌پرسی اسکاتلند که به‌تازگی ترکیب بریتانیا را برای همیشه به کاتالانهای بی‌قرار تغییر داد، و البته، خروج بریتانیا؛ که یک زمین‌لرزه بود.

به هر کجا که بنگریم، به‌نظر می‌رسد جامعه و سیاست بیشتر و بیشتر موجب نارضایتی می‌شوند و مشاهده می‌کنیم که انتخابات و سیاستمداران با شکستن وفاق جمعی - کنارگذاشتن مرکز تصمیم‌گیری - بیش از پیش افراط می‌کنند.

بیگانه‌هایی که گفتار و کردار پرخاشگرانه دارند، ناگهان وارد گود می‌شوند. بیایید یک نگاه سریع بیندازیم:

• در ایتالیا: جنبش پنج ستاره، به رهبری کم‌دین به‌نام، **بپه گریلو** (Beppe Grillo)؛

• در فرانسه: جنبش ملی **مارین لپن** (Marine LePen)؛

• در بریتانیا: مبارزه موفق **نیجل فاراگ** (Nigel Farage) برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا؛ و در مقیاس کوچکتر، تسلط چپی‌های تند در گروه مخالفان ملکه؛

• در اتریش: برگزاری دوباره انتخابات ریاست‌جمهوری، صدور رأی برگزاری دوباره انتخابات از سوی دادگاه در پاسخ به درخواست نامزد جناح راست که در رأی‌گیری اولیه با اختلاف اندک ۳۱ هزار رأی شکست خورده بود؛

• در آلمان: جایگزینی جناح راست در حزب آلمان که به ۵ درصد از رأی موردنیاز برای دستیابی به کرسی در پارلمان دست یافت.

• و البته، در ایالات‌متحد، **دونالد ترامپ** (Donald Trump) و دیوارکشی او.

چپ یا راست، آنچه آنها را یکپارچه می‌کند، ترکیبی از عوام‌فریبی، ملی‌گرایی و بی‌زاری از جهانی‌شدن است.

باید از خود پرسید: چرا مردم به دام سروده‌های خود می‌افتند؟ پس چه شد جستجو برای سیاستمداران باهوشی که می‌توانند پیرامون ایده‌های محوری، وفاق جمعی ایجاد کنند؟

شاید پاسخ این پرسش تا حدی این باشد که ما در بحبوحه طوفان بی‌نقص «نارضایتی‌ساز» قرار داریم.

سیاستمداران جدید و خارج از متن که دیدگاه عوام‌فریبی، ملی‌گرایی و ضد‌مهاجرت را برای خود برگزیده‌اند، در پاسخ به - یا به‌عنوان معلول - افزایش اعتراضها و همه‌پرسیها پدید آمده‌اند.

همانطور که گزارش سیتی‌گروپ اشاره کرده، این بستر خشم همگانی در حال یکپارچه‌شدن با رکود رشد جهانی است؛ همراه با انتظارات بالای همگانی مبنی بر این‌که دولتها باید کاری در این باره انجام دهند؛ اما اطمینان همگانی به این‌که آنها می‌توانند کاری در این باره انجام دهند، اندک است؛ و در همین حین، بسیاری از دولتها نیز ظرفیت ساختاری یا مالی محدودی برای اصلاحات مهم در اختیار دارند. چند دقیقه پیش به کاهش ۵۰ درصدی فروش رولزرویس در چین اشاره و همچنین موضوع تبدیل پرل ریور دلتا به مهد کارخانه‌های جهان را مطرح کردم.

کاهش فروش رولزرویس به این دلیل بود که دولت رئیس‌جمهور **ژی** (Xi)، مبارزه با فساد را آغاز کرد. مصرف آشکار به‌سرعت ناپدید شد. در همین زمان، در سال ۲۰۱۰ در کارخانه **فاکس کان** (Foxconn) در شهر **شنزن** (Shenzhen)، یکی از بزرگترین شهرهای پرل ریور دلتا، ۱۸ نفر از کارگران در اعتراض به شرایط کاری دست به خودکشی زدند، که ۱۴ نفر آنها موفق شدند. این افراد از میان ۴۰۰ هزار کارمندی بودند که در کارخانه گوشیهای هوشمند و کامپیوترهای دستی تولید می‌کردند که به‌وسیله گسترده‌ای از شرکتهای ارائه‌کننده محصولات فناوری فروخته می‌شدند. آنها در هر روز ۱۳۷ هزار گوشی هوشمند **آی‌فون** (iPhone) تولید می‌کردند؛ یعنی تقریباً ۹۰ گوشی در هر دقیقه.

و همانطور که خبرگزاری **بی‌بی‌سی** (BBC) سال گذشته گزارش داد، در حومه بزرگترین شهر صنعتی در مغولستان، هجوم برای خاک‌کیمیایی که منشأ تولید گوشیهای هوشمند جهان است، منجر به ایجاد یک دریاچه لجن از ضایعات سمی شده است.

در مناطق دیگری از جهان، فروریختن یک کارخانه تولید پوشاک در کشور زادگاه من یعنی بنگلادش، در سطح جهانی خبر ساز شد؛ زیرا منجر به کشته شدن بیش از ۱۱۰۰ کارگر شد. ساختمانهای فرومایه، راهبری فرومایه، مالکان حریص و فرومایه که می‌خواستند از مزایای جهانی شدن، پول به جیب بزنند.

تنها اقلام تولیدی نیستند که در زنجیره تأمین جهانی گردهم می‌آیند. نیروی کار نیز جهانی‌سازی می‌شود. آسمان خراشها از رشد سریع دوبی و ورود قطر به سطح فوتبال جهانی با کمک نیروی کار وارداتی خبر می‌دهند که این اقدام غیرانسانی، به ایجاد خشم بین‌المللی منجر شده است.

جهانی شدن سریع و شگفت‌آور و ایجاد یک زنجیره تأمین وسیع و به هم پیوسته، دستاوردهای درخور توجهی به اقتصاد جهانی هدیه کرده؛ اما هزینه‌های گزاف انسانی و محیطی نیز داشته است.

در ایالات متحده، تیم تحقیقاتی اقتصادی **گلدمن ساچز** (Goldman Sachs) در ماه ژوئیه سال جاری، گزارشی با عنوان «نیروی کار: آیا برنامه کامپیوتری در جایگزینی آن وجود دارد؟» منتشر کرد.

توجه عمیق تنها بر اشتغال و تغییر ساختاری در اقتصاد ایالات متحده، نشان داد که تقاضای نیروی کار برای مشاغل عادی دستی طی ۱۵ سال گذشته کاهش داشته است. این کاهش به احتمال در کاهش درازمدت نرخ مشارکت مردان جوان با تحصیلات پایینتر، سهم داشته است.

و اینجا در بریتانیا، پیمایش **کردیت سوئیس** (Credit Suisse) در کتاب راهنمای ثروت جهانی به نام **اکسفم** (Oxfam) در هفته گذشته، اختلاف سطح ثروت را نشان داد: یک درصد ثروتمندترین، ۲۰ برابر بیشتر از بیست درصد فقیرترینهای بریتانیا ثروت دارند. رهاسدگان. محرومان. استثمارشدگان.

با نگرانی بگویم، حقیقت این است که بیش از حد روی ثباتی حساب کرده‌ایم که جهانی‌سازی به وجود آورده و در صلح‌آمیزترین و موفقترین سالهای تاریخ جهان عرضه کرده است.

پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، نخست‌وزیر می (May) بسیار تلاش کرد تا فاصله بین «داشتنها و نداشتنها» را پر کند. او حق دارد. من باور دارم که او حق دارد که راهبری شرکتی را به عنوان بخشی از راه حل بداند.

از هر منظری که به آن بنگرید، جهانی‌سازی، شهروندان زیادی را پدید آورده که به آن بدگمان هستند و سیاستمداران غیرقابل اعتماد، نالایق و فاسد؛ و هراس از مهاجرت و کارگران خارجی.

آنها در رویای خود برای تغییر، سیاستمداران مرتد را به عنوان صدای معتبری می‌بینند که علیه نخبگان مرموز به مقابله برخاسته‌اند. و این تفکر، به عوام‌فریبان ملی‌گرای ضدجهانی‌سازی و ضد مهاجرت پایگاهی می‌دهد که به انباشت سریع حجم زیادی از ناراضی‌ها پیردازند. همانطور که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نشان می‌دهد، نگرانی همگانی درباره مهاجرت گسترده و زندگی کردن به روش ملی را دیگر نمی‌توان به عنوان مسائل حاشیه‌ای در نظر گرفت. اینها بسیار مهم و جریان ساز هستند و ما باید برای رسیدگی به این نگرانیها بهتر عمل کنیم.

آنچه مرا به بخش سوم از سخنانم هدایت می‌کند: **حرفه حسابداری برای پشتیبانی از اقتصاد جهانی و پشتیبانی از عدالت، چه می‌کند؟**

البته که من وانمود نمی‌کنم ما جواب همه پرسشها را می‌دانیم. آنچه من انجام می‌دهم، این است که یک قالب عظیم برای نقش حرفه در اقتصاد جهانی ارائه کنم.

در این راه، می‌خواهم اهمیت صحبت کردن درباره آنچه ما انجام می‌دهیم را مطرح سازم؛ به خصوص اکنون، با رشد مخالفت با جهانی‌سازی و رشد ملی‌گرایی.

فدراسیون بین‌المللی حسابداران در سال گذشته مؤسسه مشاوره بریتانیایی مستقل و بسیار محترم سبر (Cebr) را برای کمک به ترسیم ویژگی‌های^۲ حرفه حسابداری جهانی، به‌کار گرفت.

آنها تخمین می‌زنند که فدراسیون بین‌المللی حسابداران در حدود ۳ میلیون حسابدار حرفه‌ای دارای مدرک و انتظام‌بخشی‌شده را از طریق فعالیت در سازمانهای حرفه‌ای حسابداری مانند انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز (ICAEW)، نمایندگی می‌کند. تخمین زده شده که این حسابداران برای اقتصاد جهانی معادل حدود یک‌چهارم میلیارد دلار ارزش افزوده دارند.

و در بوم‌شناسی گسترده‌تر حرفه حسابداری، اشخاصی که به‌استناد آمار ملی اشتغال در زمینه حسابداری یا زمینه مربوط یا پشتیبان حسابداری فعالیت می‌کنند، در حدود نیم میلیارد دلار در سال به اقتصاد کمک می‌کنند.

پژوهشهای آنها همچنین همبستگی شدیدی بین سهم حسابداران در نیروی کار، با رشد تولید ناخالص داخلی، با رتبه شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) و با رتبه کشور در شاخص فساد سازمان شفافیت بین‌المللی (Transparency International Corruption Index) نشان می‌دهد.

اینها ارقام درخور توجهی هستند و نشان می‌دهند که چرا در گفتگوهای پیرامون اقتصاد جهانی، صدای ما معتبر، درخور توجه و محوری است.

و ما بخشی از آن گفتگوها هستیم. فدراسیون بین‌المللی حسابداران به‌نحو مقرر و از جانب حرفه جهانی، با شرکای چندجانبه شامل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، کنفرانس ملل متحد در زمینه تجارت و توسعه (UNCTAD)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و سایر بانکهای توسعه، سازمانهای کمک‌رسانی، و سازمانهای بین‌المللی انتظام‌بخشی، در ارتباط است. در ضمن، مأموریت گروه بیست (G-20) در سال جاری بر چگونگی ایجاد اطمینان و یکپارچگی در قلب اقتصاد جهانی متمرکز بود.

اما ما باید به‌صورت فردی و جمعی، بیش از این فعالیت کنیم.

تعدادی از حوزه‌های درخور توجه وجود دارند که از منظر ملی و جهانی مهم هستند و حرفه حسابداری در این حوزه‌ها دانش و اعتبار دارد و صدای ما می‌تواند اثرگذار باشد و باید شنیده شود.

افزون بر این، مسائلی نیز هستند که به‌نوعی به جو خشم و بی‌اطمینانی که پایه بسیاری از نارضایتیهای پیشگفته است، دامن می‌زنند. اکنون در نظر دارم به تعدادی از آنها اشاره کنم.

انتظام‌بخشی هوشمند: فدراسیون بین‌المللی حسابداران در سال گذشته یک بررسی درباره وضعیت انتظام‌بخشی در سراسر جهان برگزار کرد. ما در حدود ۳۵۰ پاسخ‌دهنده از همه قاره‌ها داشتیم که نماینده گستره وسیعی از بخشها بودند. سپس این بررسی را با میزگردهایی در هنگ‌کنگ و لندن که دومی با مشارکت انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز بود، پیگیری کردیم. پیامهایی که گرفته می‌شد، قاطع و به‌طور شگفت‌انگیزی سازگار بودند. انتظام‌بخشی بسیار پیچیده، پرهزینه، از هم‌گسیخته و مانع نوآوری و رشد بود. هیچکس نمی‌گوید که انتظام‌بخشی لازم نیست؛ اما آنچه مورد نیاز است، انتظام‌بخشی هوشمندتر، مناسب برای هدف، بر مبنای شواهد، توسعه‌یافته از طریق مشورت با ذینفعان مهم و مشروط به انجام تحلیل دوره‌ای اثربخشی پس از اجراست. حرفه حسابداری باید در زمینه این مسائل صدایی رسا باشد.

انصاف در مالیات‌بندی: من پیش از این در مورد احساسات همگانی درباره شرکت‌هایی که سهم منصفانه خود را نمی‌پردازند و از این طریق به هزینه‌های شهروندان می‌افزایند، صحبت کردم. همان چیزی که ادوارد هیث (Edward Heath) آن را «وجهه غیرقابل قبول سرمایه‌داری» نامیده است. این حوزه‌ای بسیار پیچیده است که نیازمند موازنه مفاهیم انصاف و برقراری رقابت ملی از یک سو و اجرای شرایط برابر و شفافیت در سطح جهانی از سوی دیگر است. پروژه مالیاتی جابه‌جایی مبداء و انتقال سود (BEPS) که زیر نظر

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی انجام می‌شود، شروع بسیار خوبی است که نشان‌دهنده تمایل جامعه بین‌المللی به همکاری است. اما نتیجه واقعی پس از اجرا مشخص خواهد شد و این ترس وجود دارد که پس از رسیدن به مرحله اجرا، نتوانیم وفاق جمعی به‌دست آمده را حفظ کنیم. مالیات‌بندی تخصصی است که در حیطه قلمرو حرفه حسابداری قرار دارد؛ ما باید در این زمینه صدایی رسا باشیم.

تقلب و فساد: سرطان فساد- آن‌گونه که شایسته خطاب است- همه‌گیر است و سازمان شفافیت بین‌المللی تخمین زده که این معضل می‌تواند تا یک هزار میلیارد دلار آمریکا در هر سال برای تولید ناخالص داخلی، هزینه‌بر باشد. البته که این مسئله‌ای جدید نیست؛ اما خوشبختانه به‌تازگی در سطح بین‌المللی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. حرفه حسابداری در موقعیت بسیار مناسبی برای کمک به حل این معضل قرار دارد. ما در سطح نهادها از مهارت حسابداری قانونی برخورداریم و زمینه راهبری شرکتی اثربخش و سیاستهای افشاگرانه را به‌خوبی فراهم می‌کنیم. می‌توانیم در سطوح ملی و بین‌المللی، به توسعه روشهای حکومتی مؤثر برای پیشگیری و کشف فساد کمک کنیم. ما باید در این زمینه صدایی رسا باشیم.

بخشی عمومی با عملکرد برتر: شرکت در تأمین سرمایه بخش خصوصی به‌طور کامل اختیاری است؛ ما انتخاب می‌کنیم که در یک بنگاه بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کنیم یا با آن به مبادله بپردازیم یا نپردازیم. شرکت در تأمین مالی دولت اختیاری نیست؛ ما بنا به قانون موظف هستیم که همه مالیاتها و عوارضی را که مالیات‌گذاران دولت بر عهده‌مان گذاشته‌اند را پرداخت کنیم. همچنین، دولت انتظام‌بخشی بخش خصوصی را انجام می‌دهد تا اطمینان حاصل کند که آنها استانداردهای مناسب برای شفافیت و صداقت مالی را اجرا می‌کنند. اما چه کسی دولت‌ها را در این حوزه‌ها انتظام‌بخشی می‌کند؟ پاسخ، خود دولت است و در بیشتر موارد در حوزه مدیریت مالی بخش عمومی، دولت آزادی عمل و سستی بیشتری نسبت به انتظارهایش از بخش خصوصی اعمال می‌کند. در اکثریت درخور توجهی از کشورها، پیامد این رویه، اطلاعات مالی ضعیف، تصمیم‌گیری ضعیف، انتقال بدهیهای سنگین به نسلهای آینده و نبود ابزار واقعی برای پاسخگویی مسئولان منتخب است. ما باید در این زمینه صدایی رسا باشیم.

پشتیبانی از بنگاههای کوچک و متوسط: به‌طور کامل مشخص است که بنگاههای کوچک و متوسط تاکنون فراهم‌کننده بیشترین میزان استخدام و رشد در بخش خصوصی بوده‌اند. وقتی مشاهده می‌کنیم که عموم مردم به‌طور فزاینده‌ای از غلبه کسب‌وکارهای بزرگ‌گریزان هستند و وقتی اقتصاددانان به ما می‌گویند که افزایش اختلاف در توزیع درآمد، منبعی برای خطر درخور توجه برای موازنه اقتصاد و اجتماع است، بنابراین افزایش رشد در بخش بنگاههای کوچک و متوسط یک اولویت خواهد بود. شواهد تجربی از سراسر جهان نشان می‌دهد که هر وقت مشاوران حرفه‌ای کسب‌وکار به بنگاههای کوچک و متوسط مشاوره داده‌اند، آنها بهتر عمل کرده‌اند. حرفه حسابداری و وسعت خدمات تجاری که حسابداران ارائه می‌کنند، برای رشد بخش بنگاههای کوچک و متوسط حیاتی است. ما باید به فعالیتهای حمایتی از مسائلی که می‌تواند به تحریک رشد در این بخش کمک کند، وارد شویم؛ مسائلی مانند کاهش مقررات سنگین و نامناسب دسترسی آسانتر و نوآورانه‌تر به منابع مالی و آسیب‌پذیری کمتر نسبت به قربانی شدن به‌وسیله تقلب و فساد. ما باید در این زمینه صدایی رسا باشیم.

فرا تر از گزارشگری مالی: سرمایه‌گذاران و دیگر اشخاص علاقه‌مند به‌طور فزاینده‌ای می‌یابند که گزارشگری مالی به‌تنهایی نمی‌تواند اطلاعات کلی‌تری را که درباره بنگاه موردنیاز است، ثبت کند. تمرکز بر نتایج مالی بدون شرح ضمیمه‌شده از چگونگی دستیابی به آن نتایج، به‌نوعی به ایجاد این حس دامن می‌زند که واحدهای اقتصادی، بیشتر با تصور ارزش‌زایی برای سهامدار و بازده مالی اداره می‌شوند تا پذیرش مسئولیت بیشتر در قبال گستره وسیع‌تری از ذینفعان. **گزارشگری یکپارچه (IR)**، واحدهای گزارشگر و بازارهای سهام بیشتر و بیشتری را در سراسر جهان جلب کرده است؛ زیرا شرح مفصل‌تری را از این مطلب بازگو می‌کند که چگونه بنگاه‌ها به‌وسیله استفاده از نه تنها سرمایه مالی، بلکه همچنین با استفاده از سرمایه انسانی، سرمایه طبیعی، سرمایه تولیدی و غیره، ارزش خود را بالا

می‌برند. این تصور والای شفافیت و پاسخگویی، می‌تواند یک قدم بزرگ رو به جلو باشد. ما باید در این زمینه صدایی رسا باشیم. اما برای این‌که بتوانیم درباره این مسائل به‌درستی و با اعتبار صحبت کنیم، باید به حرفه خودمان نیز بیندیشیم و به تلاش‌هایمان برای ایجاد حرفه‌ای جهانی زیر چتر استانداردهای رایج و آیین اصول اخلاقی قدرتمند، ادامه دهیم. فدراسیون بین‌المللی حسابداران یک برنامه رعایت را اجرا می‌کند تا اطمینان به‌دست آورد که همه سازمانهای عضو در سراسر جهان، هفت بیانیه تعهدهای عضویت در فدراسیون را رعایت می‌کنند یا در حال طی مسیری سازمند برای رعایت آنها هستند. ما همچنین ظرفیت سازمانهای ملی حرفه‌ای حسابداری برای مجوزدهی و انتظام‌بخشی حرفه بومی با استانداردهای مناسب را رصد می‌کنیم. ما پشتیبان اهمیت یک حرفه حسابداری قدرتمند به‌عنوان سنگ‌بنایی برای توسعه اقتصادی برای سازمانهایی که منابع مالی ما را تأمین می‌کنند، هستیم و به‌طور نظام‌مند با آنها تعامل می‌کنیم تا در تلاش‌ها در راستای ظرفیت‌سازی در سراسر جهان شریک باشیم. دنیایی جهانی‌سازی شده به یک حرفه حسابداری جهانی‌سازی شده نیاز دارد و ما در حال فعالیت در راستای تحقق این هدف هستیم.

بنابراین شما شاهد هستید.

این عقب‌نشینی آشکار جهان‌گرایی و جهانی‌شدن و نبود اطمینان در مؤسسه‌ها که تسریع‌کننده این بی‌اعتمادیست، مسائلی هستند که ما باید به‌شدت در این باره هوشیار باشیم.

همانطور که گفتیم، هدف فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ساختن حرفه‌ای جهانی، زیر چتر استانداردهای جهانی و فعالیت در راستای منافع همگانی است.

اما اگر گرایش به سمت نگاه به درون - برای بازسازی حد و مرزها و دیوارهای ملی، برای منافع ملی کوتاه‌مدت - به‌جای فعالیت در راستای منافع همگانی جهانی در دستور کار قرار گیرد، در این صورت کار ما بسیار سخت‌تر خواهد شد.

مفتخرم که در این بعدازظهر با شما بودم و یک مشکل معاصر را باز کردم که برای دهه‌های متمادی در حال شکل گرفتن بوده است. در این سخنرانی که سومین مورد از مجموعه سخنرانیهای «درست و منصفانه» بود، تلاش کردم هر دو مورد درستی و منصفانه بودن جهانی‌شدن را بررسی کنم.

بله، جهانی‌شدن مشکلاتی بزرگی دارد؛ اما جایگزین آن بسیار بسیار بدتر خواهد بود.

من فکر می‌کنم همه ما وظیفه داریم تا در راستای منافع همگانی، به زبانی مبتنی بر زمینه‌های مشترک، همکاری جمعی، و منافع همگانی جهانی، صحبت کنیم.

صدای ما صدایی قدرتمند است و باید نه‌تنها پادزهری برای عوام‌فریبی و فرصت‌طلبی سیاسی، بلکه بخشی از یک گفتگوی بسیار مهم‌تر باشد: نسخه دوم از جهانی‌شدن.

پانوشته‌ها:

- 1- Online
- 2- Profiles

منبع:

Fayez Choudhury, **Globalization and its Discontents – With Acknowledgement to J. Stiglitz**, www.ifac.org, 2016

